



***Ethnic Nationalism and Territorial Expansionism
in Pan-Turkism Ideology:
Challenges and Solutions for Iran***

Kausar Taleshi*

E-mail: kosar_taleshi@modares.ac.ir

Mohsen Abbaszadeh Marzbali**

E-mail: m.abbaszadeh@umz.ac.ir

Mohammad Radmard ***

E-mail: m.radmard@umz.ac.ir

Received: 2024/03/18

Revised: 2024/11/30

Accepted: 2024/12/04

Doi: 10.22034/RJNSQ.2024.449202.1584

Abstract:

Pan-Turkism, as an expansionist ideology with an irredentist feature, appears to be a threat to the region's ethnic geopolitics and territorial integrity of the countries with Turkish-spoken ethnicities. How can one analyze the logic of Pan-Turkism in terms of the way of conceptualization of nationalism and, mutually, come up with solutions to overcome it? To respond to this principal question, the paper hypothesizes that the Pan-Turkist expansionism emanates from its ideological nationalism built on an ethnic-cultural conception of the nation. This conception results in irredentism and agitation of separatism in Turkish-spoken ethnics of the region and, specifically, Iran. On the contrary, neutralization policies can be reached by adopting a civil approach to nationalism and the political perception of the nation. The paper constructs a combinative theoretical framework to justify the hypothesis. The framework is constituted of the relation between 'ideology and practice' and the binary of 'ethnic-civil' approaches to nationalism. The present study was conducted based on library resources and data analysis was conducted using a descriptive-analytical method.

Keywords: Pan-Turkism, Ethnic Nationalism, Civil Nationalism, Irredentism, Separatism, Turkey, Iran.

* Ph.D. Student in Political Science (Iran Issues), Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

**Assistant Professor of Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran (Corresponding Author).

*** Assistant Professor of Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

ناسیونالیسم قومی و توسعه‌طلبی ارضی در ایدئولوژی پان‌ترکیسم: چالش‌ها و راهکارها برای ایران

نوع مقاله: پژوهشی

* کوثر طالشی

** محسن عباس‌زاده مرزبالی

*** محمد رادمرد

E-mail: kosar_taleshi@modares.ac.ir

E-mail: m.abbaszadeh@umz.ac.ir

E-mail: m.radmard@umz.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۹/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۱۴

چکیده^۱

پان‌ترکیسم جریانی است که طی دهه‌های اخیر و پس از تغییرات ژئوپلیتیکی متعاقب فروپاشی شوروی احیا شد و با توجه به خصوصیات نهفته در آن، تهدید بالقوه‌ای برای ژئوپلیتیک و تمامیت ارضی کشورهای دارای مناطق ترک‌زبان، از جمله ایران، به‌شمار می‌آید. پرسش پژوهش حاضر این است که چگونه می‌توان منطق توسعه‌طلبی ارضی پان‌ترکیسم برون‌مرزی را از منظر نوع نگرش به ناسیونالیسم تحلیل نمود و به خنثی‌سازی جاذبه آن پرداخت؟ در پاسخ، فرضیه پژوهش این است که گرایش توسعه‌طلبانه پان‌ترکیسم ریشه در ناسیونالیسم ایدئولوژیک آن دارد؛ ناسیونالیسمی که با توجه به پایه‌ریزی، بر برداشتی قومی-فرهنگی از ملت به الحاق‌گری و تحریک تجزیه‌طلبی در اقوام ترک‌زبان منطقه و به‌طور مشخص، ایران می‌انجامد. در مقابل، سیاست‌های خنثی‌ساز را می‌توان با اتخاذ رویکرد مدنی به ناسیونالیسم طراحی کرد. متناسب با فرضیه پیش‌گفته، یک چهارچوب نظری ترکیبی برای پایه‌ریزی الگوی تحلیلی پژوهش به‌کار گرفته می‌شود؛ چهارچوبی که «ارتباط میان ایدئولوژی و عمل» و «دوگانه ناسیونالیستی (قومی و مدنی)» ارکان آن را تشکیل می‌دهند. پژوهش حاضر با اتکا به منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته و تحلیل داده‌ها به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده است.

کلیدواژه‌ها: پان‌ترکیسم، ناسیونالیسم قومی، ناسیونالیسم مدنی، الحاق‌گری، تجزیه‌طلبی،

ترکیه، ایران.

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی با عنوان «ناسیونالیسم قومی و توسعه‌طلبی ارضی

در ایدئولوژی پان‌ترکیسم» است که در تاریخ ۱۴۰۲/۶/۱۹ در دانشگاه مازندران دفاع شده است.

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی (گرایش مسائل ایران)، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

** استادیار علوم سیاسی دانشگاه مازندران، مازندران، ایران (نویسنده مسئول).

*** استادیار علوم سیاسی دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.



مقدمه و بیان مسئله

پان ترکسیم نوعی ناسیونالیسم افراطی است که با روحیه‌ای توسعه‌طلبانه به چهارچوب سرزمینی فراتر از مرزهای ترکیه برای اقوام ترک‌زبان می‌اندیشد. ترکیه، جمهوری آذربایجان، قرقیزستان، ازبکستان، قزاقستان، ترکمنستان، تاجیکستان و بخش‌هایی از روسیه و ایران پهنه‌ای هستند که اندیشه آرمان وحدت آن‌ها را در سر می‌پروراند. مبدع این اندیشه ضیاء گوک‌آلپ بوده که ایده وحدت ترک‌زبانان را در قالب مراحل سه‌گانه مطرح کرد؛ ابتدا، وحدت ترک‌های ترکیه؛ سپس وحدت ترک‌های اوغوز (ساکنان خوارزم و جمهوری آذربایجان و ایران) با عنوان اوغوزستان و در نهایت، وحدت ترک‌های دوردست مانند یاکوت‌ها، ازبک‌ها، تاتارها، قرقیزها، قیچاق‌ها. از لحاظ سیر تاریخی، تا قبل از جنگ جهانی اول، پان ترکسیم ایدئولوژی دولتی عثمانی در دوران ترکان جوان بود و بعد از دوره‌ای افول در عصر کمالیسم، در دهه‌های اخیر دوباره احیا شد.

اما آنچه احیاء این جریان را به‌نحو مضاعفی دارای اهمیت و مخاطره‌آمیز کرده است، فرصت ژئوپلیتیکی مساعد در پی فروپاشی شوروی و همچنین، امکان نیرو گرفتن از برخی دولت‌های منطقه است. به‌طور مشخص، ترکیه (با همراه‌سازی جمهوری آذربایجان) سعی در استفاده ابزاری از این تغییرات ژئوپلیتیکی جهت نفوذ بر ترک‌زبانان مناطق پیرامون دارد. در منطقه خاورمیانه، به دلیل دولت‌سازي ناتمام، در صورتی که شرایط داخلی کشورها برای احقاق حقوق اقوام فراهم نباشد، احتمال تحركات جدایی‌طلبانه در راستای پیوستن به جریان فراملی پان‌ترکیستی وجود خواهد داشت. ایران نیز در تیررس این چالش قرار دارد؛ به‌ویژه اینکه براساس برخی آمارهای غیررسمی، جمعیت ترک‌زبانی که بیشتر در استان‌های آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، اردبیل، زنجان و قزوین ساکن هستند بالغ بر ۱۱/۶۰۰/۰۰۰ نفر می‌شود (اتنولوگ، ۲۰۲۱) که هرازگاهی با تحركاتی از سوی جریان‌های خارجی و داخلی پان‌ترک مواجه می‌شود.

در این راستا، پرسش این است که چگونه می‌توان منطق توسعه‌طلبی ارضی پان‌ترکیسم برون‌مرزی را از منظر نوع نگرش به ناسیونالیسم تحلیل نمود و به خنثی‌سازی جاذبه آن پرداخت؟ در پاسخ، این فرضیه قابل طرح است که گرایش توسعه‌طلبانه پان‌ترکیسم ریشه در ناسیونالیسم ایدئولوژیک آن دارد؛ ناسیونالیسمی که با توجه به پایه‌ریزی بر برداشتی قومی - فرهنگی از ملت، الحاق‌گری و در نتیجه، تحریک تجزیه‌طلبی در اقوام ترک‌زبان در منطقه در پی دارد. در مقابل، سیاست‌های خنثی‌ساز را می‌توان با اتخاذ رویکرد مدنی به ناسیونالیسم، یعنی برداشت سیاسی از ملت طراحی

کرد. بدین منظور، مقاله حاضر بعد از ارائه گزارشی از پیشینه پژوهش و توضیح چهارچوب نظری، ابتدا به تحلیل ماهیت ایدئولوژیک پان‌ترکیسم و نسبت آن با توسعه‌طلبی و الحاق‌گری می‌پردازد. سپس، مصادیقی از سیاست‌های پان‌ترکیستی را با تمرکز بر اقدامات دولت ترکیه مورد بررسی قرار می‌دهد. در انتها، پس از اشاره به مخاطرات پان‌ترکیسم برای ایران، الزامات خنثی‌سازی این چالش را به بحث می‌گذارد.

پرسش پژوهش

چگونه می‌توان منطق توسعه‌طلبی ارضی پان‌ترکیسم را از منظر نوع نگرش به ناسیونالیسم تحلیل کرد و به خنثی‌سازی آن پرداخت؟

پیشینه پژوهش

در ارتباط با پان‌ترکیسم و ناسیونالیسم قومی منابع متعددی وجود دارد. به‌طور مثال، در میان پژوهش‌های داخلی، جباری و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود، تأثیر نیروهای خارجی را بر گرایش‌های قومی مناطق آذری‌نشین ایران مورد واکاوی قرار داده‌اند. آنان متذکر شده‌اند که قوم‌گرایی موضوعی چندبعدی و متأثر از عوامل داخلی و خارجی است و براساس مستندات، در سده‌های گذشته محلی از اعراب نداشته است؛ اما در دهه‌های اخیر، با دخالت نیروهای فرامرزی و خارجی برجسته شده است. احمدی (۱۴۰۰) در کتابی با عنوان *از مرز تا مرز*، منشأ کنش‌های اعتراضی در میان اقوام را به نارضایتی‌های قومیتی برآمده از احساس نابرابری‌های سیاسی، فرهنگی، زبانی و اقتصادی برمی‌گرداند؛ احساسی که هنگام مقایسه با فارسی‌زبانان اوج گرفته است. عبدی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای به شناخت ماهیت و روند تحولات قومی در آذربایجان بعد از انقلاب اسلامی پرداختند. آنان معتقدند جریان قومی در این منطقه با القای حس محرومیت نسبی و نافرمانی مدنی در قبال رخدادهای سیاسی - اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی به‌طور هدفمند درصدد برجسته کردن ناسیونالیسم قومی و سامان‌دهی جنبش‌های توده‌ای در جهت اهداف واگرایانه هستند. فاطمی‌نسب و حسینی (۱۳۹۲) که به خیزش و گسترش پان‌ترکیسم و تبعات آن برای کشورهای دارای اقوام ترک و به‌طور مشخص ایران پرداخته‌اند، بر این نکته تأکید کرده‌اند که ترکیه در تلاش است از پان‌ترکیسم به‌عنوان ابزار فشار علیه سایر کشورهایی که دارای این قوم هستند استفاده کند. در همین راستا، ابراهیمی و شاکری‌خویی (۱۳۹۴) که قومیت و قومیت‌گرایی را به‌عنوان متغیر مؤثر در امنیت ملی به‌شمار می‌آورند، گفتمان پان‌ترکیسم را تهدیدی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ارزیابی کرده‌اند. این محققان بر اهمیت تحولات قومی



مرتبط با آذری‌زبانان به‌عنوان بزرگ‌ترین گروه قومی در کشور ایران و جایگاهی که آنان در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارند، تأکید کرده‌اند. اصغری‌پور و همکاران (۱۳۹۴) با تمرکز بر رابطه میان ناسیونالیسم مدنی و همبستگی ملی در جمهوری اسلامی ایران، معتقدند با توجه به اینکه در عصر مدرن بدون همبستگی ملی، بقا و دوام نظام سیاسی دولت - ملت غیرممکن است، لازمه همگرایی به‌رسمیت شناختن حقوق تمام گروه‌ها با هویت‌های متنوع است.

از میان پژوهش‌های خارجی نیز لاندو (۱۳۸۶) که به بحث پیرامون چگونگی ظهور و رشد ایدئولوژی پان‌ترکیسم در امپراتوری عثمانی و سپس ترکیه امروزی پرداخته است، خصلت الحاق‌گری پان‌ترکیسم و داعیه آن نسبت به تمامی ترک‌نژادان را مورد توجه قرار داده است. در نظر او، ایدئولوژی‌هایی که پیشوند «پان» را در ابتدای خود دارند به‌شدت در پی افزایش همبستگی و اتحاد گروه‌هایی هستند که به‌طور فیزیکی در کشورهای مختلف سکونت دارند؛ اما با یک سنت، نژاد، زبان یا به‌وسیله برخی پیوندهای فرضی دیگر همچون مجاورت جغرافیایی با هم پیوند یافته‌اند. یوره (۲۰۱۷) پان‌ترکیسم را ایدئولوژی ناسیونالیستی می‌داند که بر ریشه‌های قومی، فرهنگی و زبانی مشترک مردمان ترک ساکن سراسر اوراسیا تأکید دارد که به‌صورت اجتماعی و سیاسی توسعه یافت. لکوز (۲۰۰۰) با برقراری رابطه میان تمایز بین ناسیونالیسم قومی و مدنی و دوگانه‌ی جامعه سنتی و مدرن درصدد تأکید بر این امر است که گذار از ناسیونالیسم قومی به مدنی پیامد ضروری توسعه است. آتونی اسمیت (۱۳۷۷) ناسیونالیسم قومی را صورت‌بندی نوینی از ملیت و قومیت معرفی می‌کند که در عصر حاضر چالش عظیمی پیش روی بسیاری از کشورها قرار داده است. اوزکان و اوزدمیر (۲۰۱۰) که مسئله مربوط به اقلیت‌های قومی را در چهارچوب رقابت طبیعی بین ترکیه و ایران برای کنترل خاورمیانه و آسیای مرکزی مورد بررسی قرار می‌دهند این نکته را مورد توجه قرار داده‌اند که پان‌ترکیسم به دلیل کثرت آذری‌ها و دیگر اقوام ترک در داخل کشور همواره مایه نگرانی ایران بوده است.

آثار ذکرشده تنها به یک وجه از موضوع این پژوهش پرداخته‌اند. پژوهش حاضر به دنبال این است که با طرح‌واره جدیدی، تأکید متفاوتی بر بعد نظری داشته باشد. در این راستا، تمرکز این پژوهش، برجسته ساختن منطق ایدئولوژیکی است که در پس پان‌ترکیسم به‌عنوان یک ناسیونالیسم قوم‌گرای رادیکال قرار دارد و همچون محرکی برای تجزیه‌طلبی ترک‌زبانان و فروپاشی وحدت ملی جوامع متنوع نظیر ایران عمل می‌کند. با شناخت این منطق است که می‌توان برای مواجهه با خطر پان‌ترکیسم، به تدابیری به‌منظور خشی‌سازی

آن فکر کرد؛ تدابیری که شهروندان را فارغ از قومیت در قالب کل یکپارچه‌ای به نام ملت دربر می‌گیرد. در این خصوص، این مقاله در گام اول، تلاش می‌کند با تمرکز بر رابطه میان نظریه و عمل، نسبت میان توسعه‌طلبی پان‌ترکیستی و سرشت ایدئولوژیک آن را نمایان کند. در گام دوم، با توجه به مشخصه‌های جامعه ایرانی، بنیان‌های نظری جهت‌گیری معطوف به خشتی‌سازی جاذبه‌ی قومی پان‌ترکیستی را برجسته سازد.

چهارچوب نظری

پژوهش حاضر الگوی تحلیلی خود را بر یک «چهارچوب نظری ترکیبی» بنا می‌کند؛ چهارچوبی نظری که در کنار تحلیل نسبت میان ایدئولوژی پان‌ترکیسم و عمل الحاق‌گری، امکان ارزیابی چگونگی پایه‌ریزی تدابیر خشتی‌سازانه‌ی متقابل را فراهم سازد. اجزای این چهارچوب نظری در ادامه خواهند آمد.

۱- رابطه میان ایدئولوژی و عمل

ایدئولوژی جنبه بسیار حساس و قاطع سیاست است که عمل سیاسی را محدود، متحقق و یا هدایت و پشتیبانی می‌کند. همچنین، حدود و ثغور قدرت سیاسی را معین می‌کند (عالم، ۱۳۹۴: ۸۴)؛ بنابراین، ایدئولوژی محرک عمل است و عمل نمود عینی و ابزار اجرایی ایدئولوژی خواهد بود. رابطه پیچیده ایدئولوژی و عمل به صورت معمایی فلسفی و سیاسی در همه نظام‌ها و حوزه‌های داخلی یا خارجی سیاست‌گذاری باقی مانده است. براساس عمل نهفته در ایدئولوژی، گسترش‌طلبی سیاستی جابرا نه جهت بهره‌کشی نیست، بلکه گسترش طبیعی یک نظم اخلاقی و فرهنگی و زیستی عالی‌تر است. در این صورت، عمل گسترش‌طلبی به صورت نیروی نجات‌بخش و مایه تجدید حیات است (کالیس، ۱۳۸۲: ۱۵). در توجیه گسترش‌طلبی در ایدئولوژی‌ها، انگاره فضا به عنوان یک کلیت جغرافیایی خاص مورد تأکید قرار می‌گیرد و پیوستگی‌های تاریخی با سرزمین‌های مجاور نحوه آن را تعیین می‌کند (کالیس، ۱۳۸۲: ۹۳). مصداق بارز این رویکرد را می‌توان در فاشیسم، نازیسم، صهیونیسم، پان‌ترکیسم و غیره مشاهده کرد.

۲- دوگانگی ناسیونالیستی: قومی و مدنی

از اصطلاح ناسیونالیسم دو برداشت عمده با عنوان ناسیونالیسم قومی و مدنی صورت گرفته است که به کارگیری هر یک نتایج خاصی دارد. موریس باربیه در کتاب *مدرنیته سیاسی* به مقایسه این دو برداشت متفاوت از ملت یعنی «ملت فرهنگی - قومی» و «ملت سیاسی» می‌پردازد.

در ناسیونالیسم قومی، عناصر شکل‌دهنده به ملت مجموعه‌ای از عناصر تاریخی و طبیعی



مانند زبان، قوم، فرهنگ و ملت هستند. ناسیونالیسم قومی به شدت بر زادگاه و فرهنگ محلی تأکید دارد. به عبارت دیگر، با وجود تأکید بر حوزه خصوصی، اینکه فرد در اصل به کدام جامعه تعلق دارد حائز اهمیت است (کراسزنی، ۲۰۱۰: ۲۱) چنین ملتی را اعضایش آزادانه شکل نداده‌اند، بلکه ملت پیش از آن‌ها وجود داشته و به آن‌ها تحمیل شده است. این برداشت از ملت، نسبت به افراد و گروه‌های دیگر نابردبار است و رویکردی طردکننده نسبت به سایرین دارد. آن‌ها فقط گروه قومی خود را باور دارند. آنان افراد را به خود و غیر خود تقسیم می‌کنند و این نوع رویکرد آنان موجبات نژادپرستی را فراهم می‌آورد (باریبه، ۱۴۰۰: ۲۱۳). بین ناسیونالیسم قومی و الحاق‌گری یا جدایی‌طلبی سرزمینی رابطه تنگاتنگی وجود دارد؛ البته نه هر سرزمینی، بلکه میهن اجدادی‌ای که عقیده دارند به خاطر پیوند با حوادث و شخصیت‌های نسل‌های گذشته، مردمان آن‌ها فقط برای آن‌ها هستند (اسمیت، ۱۳۹۴: ۱۲۷). از موضع الحاق‌گری، این محصول تمایل عاطفی و ایدئولوژیک نسبت به بهزیستی و رفاه اقوامی است که خارج از سرزمین کشوری هستند که همان اقوام در درون این سرزمین وجود دارند (لانندو، ۱۳۸۶: ۱۹). از موضع جدایی‌طلبی، معمولاً طرفداران این برداشت از ناسیونالیسم بر این عقیده هستند که حقوق فرهنگی و قومی آن‌ها از سوی گروه اکثریت که دارای موقعیت برتری در ساختار سیاسی، فرهنگی و اجتماعی هستند، پایمال می‌شود؛ از این رو، در دولت - ملت‌هایی که در آن‌ها ناسیونالیسم فرهنگی و قومی مسلط باشد و نسبت به حقوق سایر اقلیت‌ها بی‌توجه و یا درصدد محو آن باشند، افراد پتانسیل زیادی برای پیوستن به ناسیونالیسم قومی دارند (جلائی‌پور و نظرعباسی، ۱۳۹۰: ۱۲۵).

در مقابل این رویکرد، رویکرد ناسیونالیسم مدنی قرار دارد که بر مبنای برداشت سیاسی از ملت شکل می‌گیرد. این نوع از ناسیونالیسم حداقل به اواخر قرن هجدهم بازمی‌گردد (لارین، ۲۰۱۲: ۳۹). هانس کوهن از اولین نویسندگانی بود که میان ناسیونالیسم قومی و ناسیونالیسم مدنی تفاوت گذاشت. پس از جنگ جهانی دوم، کوهن ناسیونالیسم مدنی را با شاخص‌هایی چون شیوه عقلایی و لیبرال تفکر و مبتنی بر احترام به حقوق بشر و آزادی‌های فردی و ناسیونالیسم قومی را با تأکید بر ذهنیت قوم‌گرایانه و با تأکید بر عواطف قبیله‌ای از یگدیگر تفکیک کرد (تامیر، ۲۰۱۹: ۴۲۵). از نظر باریبه، بنیاد این برداشت از ملت بر اساس قرارداد و پیمان است که افراد با اراده و اختیار خود، آن را به وجود می‌آورند. خاستگاه این تعبیر و تفسیر از ملت به نظریه قرارداد اجتماعی روسو بازمی‌گردد. ملت سیاسی بر فراز ملت قومی قرار دارد که تمامی تفاوت و تمایزات قومی و نژادی را در درون خود جذب می‌کند (باریبه، ۱۴۰۰: ۲۳۲). روی هم رفته، ناسیونالیسم مدنی نوعی از ناسیونالیسم است که در

آن برخلاف ناسیونالیسم قومی، شهروندان فارغ از قومیت، به نظام سیاسی خود پایبند هستند و عامل وحدت مردم هویت مدنی است. پس در این نوع نظام‌ها تبعیض و برتری‌هایی که ناشی از قومیت باشد وجود ندارد و زمینه برای جذب اقوام به سمت ایدئولوژی‌های قومیت‌گرا و الحاق‌گرا کمتر خواهد شد.

البته دوگانه‌ی ناسیونالیسم قومی و مدنی با بحثی درخصوص دو رویکرد متعارض به چیستی ملت و ملی‌گرایی ارتباط می‌یابد؛ یعنی رویکردهای ذات‌گرا (ازلی‌گرایی) و برساخت‌گرا (ابزارگرایی). اگرچه به نظر می‌رسد هر یک از این دو رویکرد با یکی از دو برداشت از ناسیونالیسم نزدیکی دارد (رویکرد ازلی‌گرایان با ناسیونالیسم قومی و رویکرد ابزارگرایان با ناسیونالیسم مدنی)؛ اما در تحلیل ماهیت هویت ملی در ملت‌های کهن تاریخی باید به دیدگاه سوم و راه میانه‌ای متوسل شد که از جانب آنتونی اسمیت مطرح شد. او معتقد است که اگرچه می‌توان ناسیونالیسم را به‌عنوان یک ایدئولوژی سیاسی با ویژگی‌های خاص خود محصول دوران مدرن دانست؛ اما نمی‌توان پدیده ملت را حاصل پیدایش ملی‌گرایی در نظر گرفت، بلکه منبع و ریشه اصلی هویت ملی و ملت‌ها را باید در گذشته یافت (مصطفایی، ۱۳۹۹: ۷). تعریفی که او از ناسیونالیسم ارائه می‌دهد بدین صورت است: ناسیونالیسم جنبش ایدئولوژیکی است برای به‌دست آوردن و حفظ کردن هویت، وحدت و استقلال، برای مردمانی که بعضی از اعضای آن به تشکیل یک ملت بالقوه و بالفعل باور دارند (نظری و خلیل‌طهماسبی، ۱۳۹۴: ۲۱)؛ به‌عبارت دیگر، ملت شدن مجموعه‌ای از گروه‌های انسانی هم‌ریشه در اشتراکات دیرین آن‌ها دارد و هم با احساس تعلق آن‌ها به یک مجموعه هویتی واحد و اراده به با هم زیستن مرتبط است.

۳- ترکیب و کاربست

فهم‌گرایش‌های توسعه‌طلبانه و تمایلات تجزیه‌طلبانه پان‌ترکیستی در گرو شناخت منطق ایدئولوژیکی است که در پس پان‌ترکیسم قرار دارد. پان‌ترکیسم به‌عنوان یک ناسیونالیسم قوم‌گرای رادیکال نوعی «ایدئولوژی» است که «عمل» الحاق سرزمین‌هایی که هم‌تباران در آن ساکن هستند را تجویز می‌کند. با شناخت این منطق، می‌توان به‌منظور خنثی‌سازی خطر پان‌ترکیستی بر مفروضات ناسیونالیسم مدنی برای اتخاذ تدابیر ملی‌گرایانه متقابل اتکا کرد؛ چراکه ناسیونالیسم مدنی شهروندان را فارغ از قومیتشان در کل یکپارچه‌ای به نام ملت دربر می‌گیرد. این اتکا به ناسیونالیسم مدنی، به‌ویژه با در نظر داشتن رویکرد آنتونی اسمیت به هویت ملی، درخصوص جوامعی چون ایران مؤثر به نظر می‌رسد؛ چون اقوام مختلف در طول تاریخ، تجربه‌ی همزیستی تحت ادراکی از هویت فراقومی مشترک داشته‌اند.



ایدئولوژی پان ترکیسم و گسترش طلبی ارضی

پرسش اولیه این است که چه رابطه‌ای می‌توان میان ایدئولوژی قوم‌گرای پان‌ترکیسم و سیاست الحاق‌گری برقرار کرد؟ به نظر می‌رسد ناسیونالیسم پان‌ترکیستی با توجه به خصلت شمولیت قومی که دارد، خواهان بازگشت و زیر چتر خود قرار دادن اقوام متصل به خود در خارج از سرزمین اصلی است. در نتیجه، این ارتباط می‌تواند به پیشروی و توسعه‌طلبی ارضی بینجامد.

۱- پیشینه تاریخی؛ از پان‌تورانیسم تا پان‌ترکیسم

اصطلاح پان‌ترکیسم منبعث از تورانیسم است. در قرن بیستم که عصر جنبش‌های گوناگون ناسیونالیستی و امپراتوری‌های عظیم بود، عده‌ای از روشنفکران ترک‌زبان روسیه برای مقابله و مقاومت با سلطه فرهنگی پان‌اسلاویسم روس‌ها، به طرح ایدئولوژی تورانیسم (پان‌تورانیسم) پرداختند (واند، ۱۳۶۹: ۱). این ایده که در اواخر دولت عثمانی مطرح شد، مورد استقبال برخی روشنفکران عثمانی قرار گرفت (ارکان، ۱۳۹۵: ۳۳). بین نمود و نیز ریشه‌گیری پان‌ترکیسم در امپراتوری عثمانی و بروز و ظهور شخصیت‌هایی نظیر گوک‌آلپ ارتباط مستقیمی وجود دارد. وی معتقد بود آنچه منجر به در خطر افتادن موجودیت این امپراتوری می‌شود، وجود فرهنگ‌های بیگانه است؛ بنابراین، ترکان می‌بایست با استناد و روی‌آوری به تاریخ و سنت‌های خود، این تأثیر فرهنگ‌های بیگانه را بی‌اثر کنند و بعد از آن، برای تلاش برپایی یک امپراتوری عظیم که از دریای سیاه آغاز و تا چین را دربر می‌گیرد، وحدت و یکپارچگی سرزمینی به نام توران را شکل دهند (بیات، ۱۳۸۷: ۱۸). تقسیم‌بندی سه‌مرحله‌ای مدنظر او برای وحدت ترک‌زبانان (ترکیه، آغوز و دوردست) از آمیختگی پان‌تورانیسم و پان‌ترکیسم حکایت دارد و در واقع، سیر یک نظریه واحد هستند. این اندیشه با متفکران بنیان‌گذار نظیر آقچورا، گوک‌آلپ و اقایف در نهان هدف ایجاد سرزمینی با عنوان توران بزرگ را در سر دارد که پهنای سرزمینی آن از اقیانوس آرام تا حوزه اسکاندیناوی و دریای مدیترانه را دربر می‌گیرد.

ایدئولوژی مذکور با رسمی شدن در دولت ترک‌های جوان و با طمع توسعه‌طلبی و اتحاد ترکان از عوامل اصلی مشارکت امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول بود (سعیدی، ۱۳۹۹). بعد از تشکیل جمهوری ترکیه، این فراز و فرودها منحصر به داخل مرزهای سیاسی ترکیه بودند، ولی روندی که پس از فروپاشی شوروی و نقش‌آفرینی کشورهای ترک‌زبان با محوریت ترکیه آغاز و در سال‌های اخیر جدی‌تر شد، صدای پای رستاخیزی دوباره در میان اقوام ترک است و اصطلاحی با نام جهان ترک را رایج و بر سر زبان‌ها انداخته است (واحدی، ۱۴۰۰).

۲- پان ترکیسم به منزله ایدئولوژی قوم‌گرا

مؤثرترین و نافذترین طریق برای درک ماهیت قوم‌گرای پان‌ترکیسم، کوشش جهت تحلیل گونه‌شناسی آن در ارتباط با دیگر ایدئولوژی‌ها و جنبش‌های «پان‌گرا» است. پان‌ایدئولوژی‌ها با مفاهیم خاصی از ناسیونالیسم تمایل دارند که هویت اعضای گروه را به مسئله تولد تقلیل دهند (لودک، ۲۰۱۲: ۱۲). دکترین پان‌ترکی تاریخ، زبان، هویت و فرهنگ مشترک را به‌عنوان ارکان اصلی برای اتحاد فرهنگی و در صورت امکان، برای اتحاد سیاسی می‌سازد. پان‌ترکیسم همانند موارد مشابه با سایر پان‌ایدئولوژی‌ها، با جست‌وجوی ریشه‌های مشترک، هدف خود را احیای یک فرهنگ باستانی می‌داند و با کشف و تأکید مجدد فرهنگ خود برای ایجاد ملتی از همه هم‌وطنان و متمایز ساختن آن‌ها از دیگران تلاش می‌کند (حسینوف، ۲۰۱۹: ۲۴)؛ از این رو، در واقع پان‌ترکیسم به‌مثابه سایر ایدئولوژی‌های «پان‌گرا»، در جرگه ناسیونالیسم رمانتیکی دسته‌بندی می‌شود که توسط گروه‌های سیاسی کوچک در جوامع مختلف هدایت می‌شود (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۹). همراه با فرهنگ باستانی که میراث مشترک است، نمادهای دیگری مانند اسطوره‌های مشترک و توت‌ها نیز در طول پایه‌گذاری نظری پان‌ترکیسم ساخته شدند. گرگ خاکستری به‌عنوان جد اسطوره‌ای، ارگنکون به‌عنوان یک افسانه مبدأ، کوه‌های آلتائیک و تیان‌شن به‌عنوان یک نقطه مقدس که ترک‌ها از آنجا سرچشمه گرفته‌اند و طی پیروزی‌های تاریخی به جهان گسترش یافته‌اند، برای تجلیل از گذشته و برتری ترک‌ها اسطوره‌سازی شده است (حسینوف، ۲۰۱۹: ۲۴).

۳- عناصر موجد گسترش طلبی در پان ترکیسم

پان‌ایدئولوژی‌ها علاوه بر تقلیل دادن هویت اعضا به مسئله تولد، معمولاً دولت ملی را به‌عنوان بخشی کوچک یا بسیار ضعیف رد می‌کنند؛ زیرا دولت ملی را در بیشتر موارد دربرگیرنده بخشی از آن کلیت فرهنگی بزرگ‌تر قلمداد می‌کنند؛ بنابراین، دولت ملی را موظف به گسترش مرزهایش جهت دربرگیری تمامی آن کلیت می‌دانند (لودک، ۲۰۱۲: ۱۲). در این نوع از ایدئولوژی‌ها، انسان‌ها به ارتباط و اتصال به سایر انسان‌های هم‌ریشه تمایل دارند. این امر، همان چیزی است که خاستگاه و اساس اتحاد، توسعه‌طلبی و الحاق‌گری‌ها است. ایدئولوژی‌ها و جنبش‌های «پان‌گرا» به‌طور عام، شدیدتر از نهضت‌های ناسیونالیستی صرف، در پی افزایش اتحاد گروه‌هایی هستند که از لحاظ فیزیکی در کشورهای مختلف ساکن بوده؛ اما با یک سنت، نژاد و زبان یا به‌وسیله برخی پیوندهای فرضی دیگر مانند همجواری جغرافیایی، به هم پیوسته‌اند (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۹)؛ یعنی همه اعضای یک گروه قومی یا فرهنگی ساکن در یک کشور نیستند و



آرمان و انتظار این را دارند که مابقی اعضای گروه قومی خود را که در کشور دیگری هستند، به کشور مادر که دارای پیوند مشترک با آن هستند متصل کنند. این نوع جوشش و شورش‌ها می‌تواند در داخل یا خارج کشور، ولو بدون رضایت آن کشور، توسعه پیدا کند. نمونه‌های متعدد آن عبارت‌اند از: پان‌اسلاویسم (روسی)، پان‌ژرمنیسم (عصر بیسمارک)، پان‌ایتالیائیسم و پان‌ترکیسم (لاندو، ۱۳۸۶: ۲۹۱).

اما آن چیزی که ایدئولوژی مذکور را از سایر هم‌قطاران خود از جمله پان‌عربیسم، پان‌ایرانیسم و غیره متمایز می‌کند، شدت رمانتیک‌گرایی آرمان‌گرا و نیز تشکیل سرزمینی است که مرزهایش از شرق تا اروپا را دربر می‌گیرد. به عبارتی، فراخی و گستردگی ارضی و سرزمینی و آرمان‌گرایی مبتنی بر آن عامل تمایزبخش پان‌ترکیسم است (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۹). به عبارت دیگر، برخلاف نوع معتدل الحاق‌گری که فقط در پی رفع تبعیض و نابرابری و زندگی خوب اقوام وابسته به خود است، نوع رادیکال الحاق‌گری خواهان به دست آوردن سرزمینی غیر از سرزمین اصلی است. بدین دلیل که اقلیت قومی مرتبط به سرزمین مادر در درون آن زیست می‌کنند. پان‌ترکیسم به منزله نوع رادیکال الحاق‌گری، در پی اتحاد میان تمامی ترک‌نژادان و ترک‌زبانانی است که هم در درون و هم بیرون خاک ترکیه و یا به معنی کلان‌تر، مرزهای امپراتوری عثمانی زیست می‌کنند (لاندو، ۱۳۸۶: ۱۹).

اصطلاح ویژه‌ی معرف توسعه‌طلبی پان‌ترکیسم «سیب سرخ» است که در اسطوره‌شناسی ترک به معنی هدف غایی است. این نماد که در کانون توسعه‌طلبی ترکیه قرار دارد، حاکی از وحدت اقوام ترک و برتری بر سایر اقوام و نژادها است. تعبیری که از این واژه می‌شود مانند درختی است که سایه آن پهنه وسیعی از جبل‌الطارق تا حجاز و از شبه‌جزیره بالکان تا آسیا را دربر می‌گیرد (پولاب، ۱۳۹۹).

روش پژوهش

پژوهش حاضر با اتکا به منابع کتابخانه‌ای، به جمع‌آوری داده‌ها و با روش توصیفی - تحلیلی، به سامان‌دهی آن می‌پردازد. سامان‌دهی داده‌ها در قالب یک رویکرد تطبیقی صورت می‌گیرد تا با طرح‌واره جدید، تأکید متفاوتی بر بعد نظری داشته باشد. بر این اساس، این مقاله ضمن بررسی ارتباط ایدئولوژی پان‌ترکیسم و گسترش‌طلبی ارضی، به واکاوی سیاست‌های دولت ترکیه در این زمینه خواهد پرداخت و پس از آن، چالش‌های پیش روی جمهوری اسلامی در این رابطه را بیان خواهد کرد و در انتها نیز به بیان برخی راه‌حل‌ها خواهد پرداخت.

پان ترکیسم در سیاست دولت ترکیه

پرسش دیگر این است که ایدئولوژی پان ترکیسم چه نمودی در سیاست‌های دولت ترکیه داشته است؟ در این رابطه اقداماتی از سوی دولت ترکیه به رهبری حزب عدالت و توسعه قابل اشاره است که می‌تواند در همسویی با پان ترکیسم ارزیابی شود.

۱- رابطه و میزان نفوذ پان ترکیسم‌ها در دولت ترکیه

از عصر ترکان جوان تاکنون، رابطه مقامات دولتی عثمانی و جمهوری ترکیه با جریان‌های پان ترک و تأثیرپذیری از آن فرازونشیب‌هایی داشته است؛ اما پان ترکیسم همواره خود را در درون ترکیه زنده نگه داشته است. به‌خصوص دوره کنونی که عصر فراز این رابطه است. با انقلاب ترکان جوان (۱۹۰۸) ایدئولوژی پان ترکیسم با اقبال حکومت (به‌ویژه در دوره زعامت طلعت پاشا، جمال پاشا و انور پاشا) مواجه شد و بر استراتژی جدید دولت تأثیر نهاد؛ به‌طوری‌که پیوستن عثمانی به جبهه متحدان را متأثر از آرزوهای الحاق‌گرایانه پان ترکیستی (فروپاشی روسیه و الحاق سرزمین‌های ترک‌زبان آن) به کشور خود می‌دانند. این رویکرد در دوره بعدی یعنی عصر کمالیسم به محاق رفت (احمدی ب، ۱۴۰۰: ۱۶۶). بعد از جنگ سرد و فروپاشی شوروی که منجر به استقلال کشورهای آسیای میانه و قفقاز شد، مباحثه بسیاری میان انجمن‌های پان‌ترکی درون ترکیه، جمهوری آذربایجان و بیرون از این حوزه انجام گرفته است (احمدی ب، ۱۴۰۰: ۱۷۲).

سابقه فعالیت احزاب و شخصیت‌های سیاسی دولت‌های سلیمان دمیرل، تانسو چیلرو، تورگوت اوزال و رجب طیب اردوغان نشان می‌دهد که همه آنان در کنگره‌ها و اجتماعاتی که مربوط به همکاری کشورهای ترک‌زبان هستند شرکت داشته‌اند. این نشست‌ها اگرچه از سوی دولت و وزارت خارجه ترکیه به صورت رسمی برگزار نمی‌شود، اما حضور و نفوذ این افراد حاکی از نفوذ ایدئولوژی و عقاید پان‌ترکیستی در سیاست خارجی این کشور است (احمدی، ۱۳۸۸: ۷). برای مثال، می‌توان به سخنان رئیس‌جمهور ترکیه، اردوغان، در رژه پیروزی جمهوری آذربایجان در جنگ قراباغ اشاره کرد که با خواندن شعری با نام «ارس»، نفوذ تفکر الحاق‌گرایی پان‌ترکیستی را نشان داد: «ارس را جدا کردند و آن را با میله‌های آهنی و سنگ پر کردند/ من از تو جدا نمی‌شدم، ما را به زور جدا کردند» (مشرق‌نیوز، ۱۳۹۹). همچنین، متین گلونک، یکی از مقامات حزب عدالت و توسعه و نماینده سابق پارلمان ترکیه، در نقشه‌ای که در سال ۲۰۲۰ منتشر کرد قلمرو ارضی ترکیه بزرگ را قسمت‌هایی از بلغارستان، جزایر اژه شرقی، عراق، سوریه، یونان شمالی، ارمنستان، گرجستان و قبرس نشان داد (نرجسیان، ۱۳۹۹).



هرچند باید به این نکته توجه داشت که رویکردهای اخیر پان‌ترکسیتی در حزب عدالت و توسعه تاحدی به حضور حزب راست‌گرا و افراطی حرکت ملی به رهبری دولت باقچلی بازمی‌گردد. به‌ویژه آنکه این حزب «بعد از تشکیل جمهوری ترکیه به‌عنوان مهم‌ترین پایگاه پان‌ترکیسم به‌شمار می‌آید که طی دهه‌های اخیر، تلاش داشته شبکه‌ای از کشورهای ترک‌زبان را تشکیل دهد» (اطه‌ری و ولی‌زاده، ۱۳۹۸: ۳۰۷). علاوه بر این، روزنامه‌نگاران وابسته به دولت ترکیه نیز اظهارات ضدونقیضی در خصوص چشم‌داشت به مناطق آذری‌نشین ایران داشته‌اند.

۲- رابطه میان آرمان‌های پان‌ترکیسم و اهداف/ استراتژی‌های دولت ترکیه

از زمان شکل‌گیری و رشد پان‌ترکیسم، این ایدئولوژی بر سیاست‌های کشور ترکیه تأثیر داشته است. مسلماً کاربست آن در عرصه سیاست خارجی، لزوم پخش آن را نمایان کرد تا تمامی ترک‌نژادان و ترک‌زبانان در ذیل این ایدئولوژی قرار بگیرند. این انگیزه به‌ویژه بعد از فروپاشی شوروی سابق، مجال پیگیری یافت و در جهت‌گیری کلی سیاست خارجی ترکیه ادغام شد. در طی یک دهه اخیر، دولت ترکیه همواره از سیاست توسعه‌طلبی خارجی بهره برده و متعاقب آن منازعات و بحران‌های عدیده‌ای را در آسیای جنوب غرب بازآفرینی نمود. دولت ترکیه جهت عملی‌کردن این سیاست خارجی، اقداماتی را در دستور کار قرار داده است که در کنار ایده نوع‌ثمانی‌گری، تأثیر آرمان دیرین پان‌ترکیسم نیز در نهان و آشکار قابل مشاهده است.

بخش عمده‌ای از سیاست‌گذاری عمومی ترکیه در راستای تحقق چشم‌انداز ۲۰۲۳ در چهارچوب دکترین عمق استراتژیک توسط وزیر امور خارجه پیشین، داوود اوغلو، طراحی شده است. در نظر وی، ترکیه کشوری است که در آن واحد به مکان‌های مختلفی تعلق دارد. از جمله خاورمیانه، قفقاز، آسیای مرکزی، مدیترانه، بالکان، خلیج فارس و دریای سیاه؛ بنابراین، هم‌زمان، توانایی اعمال نفوذ در این مناطق را دارد. این عمق استراتژیک و جغرافیایی با میراث عثمانی در گذشته تقویت و بارور شده است (دانش‌نیا و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸۴)؛ از این رو، وی سیاست خارجی ترکیه را چندوجهی می‌داند؛ وجهی که با هویت غربی، اسلامی و ترکی پیوند دارد. این موقعیت، سیاستمداران را ملزم می‌کند تا به ایفای نقش هویتی خود در مناطق یادشده اقدام کرده و حتی در آن‌ها دست بالاتر را داشته باشند (ساعی و محمدزاده، ۱۳۹۲: ۴۷). با توجه به اینکه این دکترین شامل همه کشورهای هم‌جوار می‌شود که دارای ترک‌زبانان و ترک‌نژادان هستند، ترکیه تلاش می‌کند در این کشورها به‌ویژه پنج جمهوری استقلال‌یافته ترک در

آسیای مرکزی و قفقاز و همچنین، بالکان حضور و نفوذ فعال داشته باشد و خود را به‌عنوان برادر بزرگ‌تر به آنان نشان دهد.

در کنار همسویی‌های نهفته میان نوع‌ثمنی‌گری و پان‌ترکیسم، شعارهایی نظیر «یک ملت - دو دولت / یک ملت - شش کشور» مطرح شده است که طنین پان‌ترکیستی صریح‌تری دارند. در راستای این شعار، اردوغان بعد از پیروزی در انتخابات ۲۴ ژوئن ۲۰۱۸، مقصد اولین سفر رسمی خارجی خود را کشور آذربایجان انتخاب کرد و در کنفرانس مشترک مطبوعاتی با الهام علی‌اف در باکو گفت: «روابط بین دو کشور براساس ایده یک ملت، دو دولت تقویت خواهد شد» (کتنجی، ۲۰۲۲). همچنین، اردوغان در جریان اجلاس شورای ترکی (در باکو) برای اولین بار شعار «شش کشور، یک ملت» (ترکیه، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، ترکمنستان و آذربایجان) را مطرح کرد و گفت هرچند ما دولت‌های متمایزی هستیم، ولی یک ملت هستیم.

۳- سیاست‌های دولتی همسو با پان‌ترکیسم

دولت ترکیه در راستای گسترش نفوذ خود اقدامات مختلفی در سیاست خارجی به‌ویژه در حوزه جمهوری‌های استقلال‌یافته از شوروی سابق انجام داده است که در راستای ایدئولوژی پان‌ترکیستی قابل ارزیابی هستند. این اقدامات در سطوح مختلف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی به شرح زیر هستند:

- اقدامات فرهنگی - تبلیغاتی در کشورهای ترک‌زبان که با توجه به زمینه‌های اشتراک زبانی و فرهنگی، عاملی در جهت همگرایی بیشتر میان ترکیه و کشورهای منطقه آسیای مرکزی و جمهوری آذربایجان شده است. حزب عدالت و توسعه که ترکیه را به‌عنوان یک رهبر برای ترک‌زبانان معرفی کرده است، در جهت همگرایی و توسعه روابط میان کشورهای مذکور فعالیت گسترده‌ای را آغاز کرده است (فلاح‌پیشه و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۷) تا با خلأ قدرتی که بر اثر فروپاشی شوروی در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی ایجاد شد، بتواند از طریق قدرت نرم و تبلیغات فرهنگی، خود را به بازیگر فعال و تأثیرگذار و به‌اصطلاح، برادر بزرگ‌تر در این کشورها تبدیل کند. از جمله افتتاح مدارس و مراکز فرهنگی در اکثر کشورهای آسیای مرکزی، ارائه آموزش و کمک‌های فنی برای هزاران دانش‌آموز آسیای مرکزی، توسعه پخش تلویزیونی برای گسترش نفوذ نرم و فرهنگی در آسیای مرکزی (کیلینچ، ۲۰۰۱: ۶۳)، تشدید فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد، ایجاد شبکه‌های ماهواره‌ای مانند اوراسیا (آدمی و نوری، ۱۳۹۲: ۸).

- در سطح اقتصادی و تجاری که شامل انعقاد قراردادهای گوناگون تجاری و اقتصادی



در حوزه‌های انرژی و وام و غیره است، روابط اقتصادی ترکیه با جمهوری‌های آسیای مرکزی به سرعت توسعه یافته و به پیشرفت‌های قابل توجهی در زمینه‌های تجارت، حمل و نقل و ارتباطات منجر شده است. آژانس همکاری و توسعه به منظور ارائه کمک‌های توسعه‌ای به این کشورها (TIKA) تأسیس شد (وزارت امور خارجه جمهوری ترکیه). روابط تجاری ترکیه طی پانزده سال گذشته، به طور قابل توجهی افزایش یافته است. کشور ازبکستان به مقصد اصلی آسیای مرکزی برای صادرات ترکیه تبدیل شد. صادرات ترکیه به قزاقستان از ۴۶۰ میلیون دلار در ۲۰۰۵ به ۹۷۹ میلیون دلار در سال ۲۰۲۰ و به قرقیزستان از ۹۰ میلیون دلار به ۴۱۶ میلیون دلار در همین مدت افزایش یافت. رشد تعداد افراد در آسیای میانه به ویژه ترکمن‌ها که به جای روسیه به دنبال کار در ترکیه هستند، محرک بالقوه‌ای برای نزدیکی اقتصادی ایجاد می‌کند (آلارانتا و سیلوان، ۲۰۲۲).

- در کنار افزایش سطح مراودات سیاسی و دیپلماتیک با این کشورها، پروژه‌هایی نظیر حمایت از گذرگاه زنگزور که یک پل ارتباطی بی‌واسطه و مستقیم برای ارتباط آن‌ها با جمهوری آذربایجان فراهم می‌کند، علاوه بر اهمیت اقتصادی، در راستای سیاست نزدیکی هرچه بیشتر با جمهوری آذربایجان (پروژه یک ملت - دو دولت) قابل ارزیابی است. از بعد استراتژیک، ترکیه به عنوان شریک سیاسی، اقتصادی و نیز با وحدت نژادی - زبانی که با آذربایجان دارد، مجاز خواهد بود همان‌طور که مولود چاووش اوغلو تصریح می‌کند، از طریق یک مسیر زمینی بدون مانع این ارتباط را به طور مستقیم با جمهوری آذربایجان و سایر کشورهای ترک‌زبان آسیای میانه گسترش دهد (تی.آر.تی. ورلد، ۲۰۲۲). در واقع، کریدور زنگزور موجب اتصال قراباغ و استان شرقی ترکیه به نام قارص خواهد شد. بدین ترتیب، در صورت اجرای مؤثر، مسیری که از دریای خزر و ترکیه بین آسیای مرکزی و اروپا خواهد گذشت با دسترسی نامحدود وجود خواهد داشت؛ بنابراین، حجم تجارت ترکیه نه تنها با آذربایجان، بلکه با کل منطقه خاورمیانه افزایش خواهد یافت. با افتتاح کریدور زنگزور، روابط اقتصادی، لجستیکی و سیاسی کشورهای ترک تقویت خواهد شد. از نگاه ترکیه، کریدور زنگزور این پتانسیل را دارد که ستاره طلوع جهان ترک باشد و توازن قوا به نفع آنکارا و باکو تغییر یابد (کتنجی، ۲۰۲۲).

پان ترکیسم و ایران: چالش‌ها و راهکارها

سده اخیر ایران، تحت الشعاع تحركات و اندیشه ناسیونالیسم قومی بوده که در دو سطح ملی و فروملی جریان داشته و به نحوی، موجبات مشکلاتی شده‌اند. در سطح ملی به ویژه

در عصر رضاشاه، شکل‌گیری ناسیونالیسم ایرانی با محوریت نژاد آریایی باعث به محاق رفتن سایر اقوام شده است. در سطح فروملی، برجسته شدن مفاهیم و تعلقات نژادی منجر به ترغیب خودمختاری و استقلال‌طلبی برخی جریان‌های قوم‌گرا شده است (رضایی و همکاران، ۱۴۰۳: ۳۴).

یکی از محرک‌های اصلی برجسته شدن تعلقات قومیتی، نفوذ اندیشه‌های پان‌ترکیستی در ایران طی سالیان گذشته است که هم ناشی از ژئوپلیتیک منطقه قفقاز و هم نوع کنشگری ایران در عرصه بین‌الملل است. از یک‌سو، تغییرات ژئوپلیتیکی ناشی از فروپاشی شوروی و نیز روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، با شدت بیشتر، بستر مناسبی جهت نفوذ پان‌ترک‌ها و یارگیری در مناطق ترک‌زبان ایران فراهم آورد؛ از سوی دیگر، به میزانی که یک کشور با چالش در عرصه بین‌الملل مواجه باشد، مورد تهاجم بیشتری قرار خواهد گرفت (احمدی، ۱۴۰۱: ۳۶). حال پرسش این است که چه چالش‌ها و راهکارهایی می‌توان برای همسایگانی نظیر ایران در برابر مخاطرات پان‌ترکیسم متصور بود؟ برای پاسخ به این پرسش، توجه به تأثیرات ایدئولوژی قوم‌گرای پان‌ترکیسم بر تحریک اقوام ترک‌زبان ایران اهمیت خطیری دارد. در مقابل، به نظر می‌رسد برای خنثی‌سازی تأثیرات ایدئولوژی قوم‌گرای پان‌ترکیسم بر تحریک اقوام ترک‌زبان ایران باید با توجه مختصات ویژه جامعه ایرانی، به ظرفیت‌های اقوام توجه نمود.

۱- آسیب‌پذیری‌های ایران در مقابل پان‌ترکیسم ۱-۱- جامعه‌ای متنوع

ایران با دارا بودن تنوعی از اقوام در برهه‌هایی از تاریخ، با مشکلاتی از ناحیه تحرکات قومی مواجه شده است. نمونه بارز آن در بحران آذربایجان و کردستان در دهه ۲۰ شمسی و برخی تحرکات جدایی‌طلبانه در ابتدای انقلاب در کردستان و نیز تحرکات کنونی برون‌زا در بلوچستان و خوزستان، علاوه بر برخی تمایلات تجزیه‌طلبانه در مناطق آذری‌زبان و ترک‌نشین، است (لهسایی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۷).

این درحالی است که در ایران همزیستی اقوام با موجودیت سیاسی از پیشینه تاریخی گسترده‌ای برخوردار است. نقطه اوج آن به عصر هخامنشیان و پادشاهی کوروش می‌رسد که همه اقوام ایرانی با حفظ تفاوت‌های فرهنگی ذیل یک حکومت زیست می‌کردند. در دوران معاصر و متأثر از ظهور جنبش‌های ناسیونالیستی در غرب، تلاش برای شکل‌دهی به مفهوم مدرن دولت - ملت از دوران قاجار و عصر مشروطه آغاز شد و تحت دولت مرکزی دوره رضاشاه در چهارچوب اقتدارگرایانه‌ای پیگیری شد؛ اما به دلیل بی‌توجهی



به زیرساخت‌های دموکراتیک، سرکوب نخبگان عرصه‌های مختلف مانند عرصه فرهنگی، اتخاذ سیاست‌های مغایر با ارزش‌های جامعه، روند ملت‌سازی به‌نحو مطلوبی پیش نرفت (لطفی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۸۶).

در جمهوری اسلامی نیز با وجود اصول قیدشده در قانون اساسی درباره ملت، در عمل مشکلاتی وجود دارد. علت این است که حکومت نتوانسته است تعادلی میان سه لایه‌ی هویت یعنی هویت ایرانی، هویت اسلامی و نیز هویت جهانی ایجاد کند. از طرف دیگر، از حقوق شهروندی مندرج در قانون اساسی نیز، هم در نگرش و رویکرد عملی حکومت و هم در تفسیر قوانین، به‌خوبی استفاده نشد (رحیمی، ۱۳۹۶: ۷۴). مجموع این عوامل منجر به اتخاذ تصمیماتی از سوی دولت‌های مختلف ایران شده است که نابرابری و تبعیض در قبال مناطق مختلف کشور به‌ویژه مناطق مرزی را تداوم می‌بخشد.

با توجه به وسعت سرزمینی و ظرفیت‌های گوناگون ایران، اگر برنامه و راهبردی مناسب جهت نگاه برابر اتخاذ نشود، نابرابری مذکور موجب شکاف می‌شود؛ این خطر به‌طور مشخص، در مناطق شمال غربی و غرب ایران جدی‌تر است؛ زیرا این نابرابری‌ها ابزاری می‌شود تا کشورهای آن‌سوی مرز که داعیه حمایت و الحاق‌گری دارند، از گروه‌های تجزیه‌طلب حمایت‌های گسترده کنند. کما اینکه در سال‌های قبل، فعالیت کشورهای نظیر ترکیه و جمهوری آذربایجان در جهت پیوستن اقوام آذری به آنان بیشتر شده است.

۱-۲- تحولات پان‌ترکیستی خارجی و داخلی

به گواهی تاریخ، تاریخ ایران با دشمنی‌های متعددی توأمان بوده که بخشی از آن صبغه قومی داشته است. با این اوصاف، مهم‌ترین راهبرد و حربه‌ای که در ذیل تهاجم نرم قابل ذکر است، استمداد دشمنان ایران از تفرقه قومی در کشور خواهد بود. در آثار متعدد، گروه‌های قومی جزء پاشنه آشیل ایران شناسانده شده‌اند. در همین راستا، ایدئولوژی توسعه‌طلبانه‌ی پان‌ترکیسم فرصت خوبی را برای دولت‌های رقیب و متخاصم ایجاد کرد تا بتوانند از این ابزار در جهت پیشبرد نیات سیاسی خود، از جمله چالش‌های قومی ایران نهایت بهره‌برداری را کنند. آنان در راستای این امر، اقدامات گوناگونی را چه به‌طور مستقیم و چه غیرمستقیم، به‌کار بسته‌اند. به‌عبارت دیگر، مجموع کشورهای مذکور از پان‌ترکیسم جهت برانگیختن اقوام و تشکیل گروه‌های شووینستی برای تجزیه و تهدید ایران استفاده می‌کنند. این تهدیدات و تبلیغات ضدایرانی، گهگاه ارتباطاتی در داخل کشور ایجاد می‌کنند که از آنان به جدایی‌طلبان داخلی تعبیر می‌شود. دست‌اندرکاران جاسوسی و نظامی کشورهای از جمله اسرائیل، امریکا و ترکیه، در راستای استراتژی مذکور کانال‌ها، پایگاه‌ها و مراکز شنودی را

در مناطق متعددی مانند جمهوری آذربایجان، قسمت خاوری ترکیه و در شمال عراق (اقلیم کردستان) تعبیه کرده‌اند. وظیفه این مراکز اقدامات ضدایرانی در منطقه آذربایجان ایران است. آنان حتی پا را فراتر گذاشته و در عرصه رادیویی نیز صدای آذربایجان جنوبی را ایجاد کردند (محمدی و رضایی، ۱۳۹۹: ۶۷). در ادامه نمونه‌هایی از این اقدامات بیان می‌شود. دولت ترکیه با توجه به قرابت‌های زبانی و فرهنگی با کشورهای همسایه خود و آسیای میانه، درصدد گسترش نفوذ خود است و در این راستا، اقدامات متعددی را انجام داده است. از جمله اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان، چاپ کتاب‌های متنوع درسی به زبان ترکی، احداث مدارس مختلف، تأسیس شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای که به‌طور مستمر به پخش برنامه‌های تبلیغاتی می‌پردازد و تاحدودی موفق بوده است (جانسیز و صالحیان، ۱۳۹۵: ۱۶۸)، اقدام به ایجاد پول واحد، پارلمان واحد و نیز آموزش و پرورش ترک‌نژادان و ترک‌زبانان که این اقدامات به‌صورت تئوری در اندیشه سردمداران ایدئولوژی پان‌ترکیسم مانند ضیاء گوک‌آلپ آمده بود (کولایی و نبوی، ۱۳۹۹: ۱۷۷). در زمینه رسانه‌ای، آنان از مخالفان نظام ایران جانبداری و پشتیبانی سیاسی، مطبوعاتی و سازمانی می‌کنند و تجمعات و کنفرانس‌هایی همچون خشک شدن دریاچه ارومیه، نقض حقوق آذری‌ها و ممنوعیت تحصیل به زبان ترکی را ترتیب می‌دهند. این برنامه‌ها با مشارکت رهبران و نیز شخصیت‌های کشورهای دارای نژاد ترک (ازبکستان، قرقیزستان، ترکیه، قزاقستان، ترکمنستان، جمهوری آذربایجان و قبرس) برگزار می‌شود. آنچه از درون این تجمعات خارج می‌شود تجزیه ایران است؛ به‌طوری‌که در شهرهای ترکیه، مراکز تبلیغاتی گسترده تجزیه‌طلب و پان‌ترک وجود دارد (جباری و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۸۲).

در کنار دولت ترکیه، جمهوری آذربایجان نیز درصدد برآمده به‌واسطه پیوند قومی و زبانی با آذربایجانی‌های ایران، کارشکنی‌ها و اختلافاتی را ایجاد کند. برای مثال، در خاک خود پذیرای فعالیت پان‌ترکیست‌ها و فعالان قومی ایرانی بودند؛ دفتر آذربایجان جنوبی (آذربایجان ایران) را افتتاح کردند؛ با همراهی امریکا و اسرائیل اقدامات مخرب و تحریک‌آمیز علیه جمهوری اسلامی ایران انجام دادند و میزبان کنگره آذری‌های دنیا شدند؛ در ادبیات رسمی و آموزشی خویش با تحریف تاریخ، تعبیر آذربایجان جنوبی را ترویج کرده و از فعالان و گروه‌های تجزیه‌طلب درون ایران در سطوح مختلف حمایت می‌کنند. حتی مقامات و نهادهای سیاسی رسمی مانند مجلس آذربایجان در تلاش تغییر نام آن به آذربایجان شمالی هستند. نهادینه و قانونی شدن این نام، اتصال آذربایجان جنوبی را به گمان آنان ناگزیر می‌کند (صالحی و نوازی، ۱۳۹۹: ۱۱۴).

فارغ از آنچه گفته شد، شواهد و مدارک بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد سایر



کشورهای متخاصم یا رقیب نظیر امریکا، اسرائیل، عربستان و برخی کشورهای اروپایی نیز به اقدامات تفرقه‌آمیز قومی در چهارچوب پان‌ترکیسم مبادرت کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، پایتخت سوئد (استکهلم) میزبان نشستی از آذربایجانی‌های جهان به همراه نمایندگان کشورهای از جمله امریکا، بریتانیا، بلژیک، فرانسه، دانمارک و هلند بود و اتحادیه استقلال‌طلبان آذربایجان جنوبی و اجلاسی با حضور آذربایجانی‌ها در هوته‌بورگ (سوئد) دایر شد. به همین نحو، تظاهراتی علیه ایران با شعار نابودی شوونیسم فارس روبه‌روی سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن از سوی جریان‌های تجزیه‌طلب برگزار شد (جباری و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۸۴). از جمله اقدامات دیگر می‌توان به تشکیل و حمایت از شبکه‌های تلویزیونی (مانند *گون/ذتی‌وی*) اشاره کرد. در داخل کشور نیز همواره گروه‌هایی دارای تمایلات تجزیه‌طلبانه بوده‌اند و اقدامات تحریک‌آمیز متعددی با حمایت خارجی انجام داده‌اند. برای مثال، از جدایی‌طلبی با حمایت‌های فرامرزی در بحرآن آذربایجان در دهه ۲۰ تا موارد خفیف‌تر در سالیان اخیر نظیر تحریک تماشاچیان به سردادن شعارهای نژادپرستانه و غرض‌ورزانه در حمایت از ترکیه در جریان بازی‌های تیم فوتبال تراکتورسازی تبریز و غیره. این حوادث نشان می‌دهد عوامل داخلی پان‌ترکیست با فراخوان‌ها و حمایت بعضی افراد، آنان را در جهت تبلیغات پان‌ترکیستی تجهیز کرده و در پی جذب هوادار هستند.

۲- ظرفیت‌ها و الزامات مقابله با تحریکات پان‌ترکیستی

۲-۱- غنای هویت ملی ایرانی: همزیستی تاریخی قومیت‌های ایرانی

هویت ملی مانند سایر واژگان و اصطلاحات، محصول دوران مدرن است که از اروپا سر برآورد و در اواخر قرن نوزدهم، به سایر نقاط دنیا راه یافت. در این نوع هویت، اینکه فرد خود را عضو کدام واحد سیاسی بداند و چه اندازه ارتباط نزدیکی با واحد سیاسی خود داشته باشد، مهم و حیاتی است (ربانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۶). درخصوص شکل‌گیری و رشد ملت و هویت ملی در کشور، این مسئله برای روشنفکران و محققان مطرح شد که ایران به‌عنوان یک واحد تاریخی، در چه فضایی معنا یافته است و آیا هویت ملی و ملت ایران پدیده‌ای با قدمت، کهن و محصول تاریخ است یا حاصل تغییرات و تحولات عصر جدید و مدرن است؟ (نظری و خلیل‌طهماسبی، ۱۳۹۴: ۲۳).

چنان‌که که در چهارچوب نظری گفته شد، تحلیل مسئله هویت ملی ایرانی مستلزم نظریه‌ای فراسوی دوگانه‌ی ازلی‌گرایی و ابزارگرایی است؛ چراکه ادراکی از ملت در ایران پیش از عصر ناسیونالیسم وجود داشته و صرفاً محصول ورود ایدئولوژی ناسیونالیستی

عصر جدید نیست (طباطبایی، ۱۳۸۶). همان‌طور که آنتونی اسمیت متذکر می‌شود، ملت‌ها را نمی‌توان بدون وجود عناصر کهن در نظر گرفت؛ زیرا در صورت فقدان این عامل، ملت‌سازی در این کشورها دچار مشکل می‌شد. در توجیه فرضیه خود، او بر قدرت‌های باستانی که دارای ملت بوده‌اند مانند یونان، روم و ایران باستان و همچنین، مصر تمرکز کرد. منظور او این است که کشورهایی از این دست، به لحاظ تداوم تاریخی - فرهنگی و همچنین، واحد سیاسی و سرزمینی، ویژگی‌های تاریخی منحصر به فردی دارند که موجب تمایزشان با سایرین می‌شود (فاضلی و خلیل‌طهماسبی، ۱۳۹۵: ۷۰۲).

اقوام متعدد ساکن فلات ایران که دارای زبان، مذهب و آیین و رسوم مختلف بودند، در کنار هم و با حفظ این تنوعات، ملتی یک‌دست و واحد را شکل دادند. این وحدت حول نهاد دولت ایجاد شد که حافظ مصلحت کلیه اقوام با حفظ فرهنگ آنان بود. عامل دیگر، فرهنگ ایرانی بود که به‌مثابه تنه یک درخت تنومند و پر قدمت، از استواری برخوردار بود که این تنوع فرهنگی و زبانی ایرانیان بدان تکیه کرده و آن را استمرار بخشید (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۴۲). به عبارت دیگر، باورداشت‌های واحد و نظام معنایی اشتراکی موجبات پیوند ایرانیان شد و آنان را به‌عنوان عضو مکمل این بدنه و پیکره‌ی واحد به‌وجود آورد. این منظومه مانند سیمان، موجبات همبستگی اقوام ایرانی را در طول تاریخ فراهم کرد. همچنین، استمرار و تداوم نهاد دولت، باعث تجربه مشترک تاریخی اقوام ایرانی شد. کما اینکه بعضی از اقوام مانند (آذری‌ها) در برخی از سلسله‌های ایرانی حضور و نقش پررنگ‌تری داشته‌اند. دولت از جهت خلق و آفرینش میراث فرهنگی مشترک، یکی از عناصر هویت ملی را شکل داد. جلوه‌گری این هویت ملی را در آداب و رسوم، سنت‌ها و آیین می‌توان دید. مصداق بارز این ملت‌سازی کهن، در سال ۱۴۰۳ رخ داد. زمانی که ارتش عثمانی به خاک ایران تجاوز کرد، مردم تبریز علوفه‌ها و آذوقه‌ها را به آتش کشیدند تا به دست سربازان عثمانی نرسد و آنان مجبور به عقب‌نشینی شوند (کریمی‌مله و موذن، ۱۳۹۰: ۳۳).

درواقع، همزیستی ایرانیان در طول تاریخ نشانگر ظرفیت تمدنی آن است که اقوام متعدد درون خود را دارای شناسنامه و هویت ایرانی کرده است. فوکویاما در کتاب *نظم و زوال سیاسی کشور ایران* را در زمره کشورهایی می‌داند که نیازی به ساختن ملت ندارد؛ زیرا ایران و هویت ایرانی را تاریخی و دارای قدمت دو هزار ساله می‌داند. همین همزیستی و هم‌پذیری گروه‌های متنوع ایرانی عاملی است که کاربرد خشونت و اجبار از جانب حکومت را برای رشد فرهنگ و هویت واحد و ناسیونالیسم مدنی بی‌نیاز می‌کند (هوشمند، ۱۳۹۹).



۲-۲- برجسته‌سازی الزامات و ظرفیت‌های داخلی در برابر جاذبه پان‌ترکیسم

در جمهوری اسلامی ایران، ایجاد همگرایی بین اقوام و مذاهب نیازمند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های کلان در حوزه‌های مختلف است. در ابتدا باید با کسب تجربه از تاریخ و گذشته، از اقتدارگرایی دولت‌ها که منجر به عدم مشارکت همه اقوام و اقشار می‌شود پرهیز کرد. در این راستا، باید از همه مبانی هویت‌ساز (هویت ایرانی، هویت اسلامی و هویت جهانی) استفاده کرد. باید همه ساکنان ایران را به‌عنوان مردم و شهروندان ایرانی شناخت و حقوقی برابر با سایرین به آن‌ها مبذول کرد (احمدی الف، ۱۴۰۰: ۳۷۷).

در این رابطه، برخی از راهکارها عبارت‌اند از: ۱- جامعه‌پذیری سیاسی و همچنین، تشویق نهادهایی مانند مدرسه و خانواده برای پرورش نسل جدید در جامعه بر پایه از میان برداشتن شکاف‌های قومی و مذهبی؛ ۲- رسیدگی به تمامی جغرافیای کشور به گونه‌ای که شکاف ناشی از محرومیت و بحران توزیع وجود نداشته باشد؛ ۳- ایجاد هویت واحد ملی، هویت شهروندی و جلوگیری از رشد واژگانی که موجبات بیگانه شدن اقوام می‌شود؛ ۴- توسعه و گسترش نهادهای مشارکتی و ایجاد شرایط مشارکت خودجوش سیاسی همه مردم؛ ۵- حمایت اقتصادی دولت، به‌ویژه در مناطق کمتر برخوردار جامعه؛ ۶- چرخش قدرت در جامعه و نهادهای سیاسی، به‌طوری‌که همه افراد جامعه فرصت‌های سیاسی یکسانی داشته باشند (اسلامی، ۱۳۸۵: ۲۰۷). بدین منظور، به لحاظ حقوقی، استناد به قانون اساسی و اسنادی نظیر سند چشم‌انداز ملی که بر رفع تبعیض و محرومیت بین اقوام مختلف کشور تأکید دارند، لازم است. این اصول مندرج در قانون اساسی، نشان‌دهنده ظرفیت بالا برای تأمین حقوق اساسی همه مردم ایران فارغ از هر قوم و نژاد و مذهب است. تدوین حقوق شهروندی گام دیگری است که بیانگر این است که همه مردم باید در جامعه مشارکت فعال داشته باشند (پورقوشچی و نادری، ۱۳۹۳: ۷۹).

یکی دیگر از راهکارهایی که قابل ذکر است و در چندین سال گذشته نیز گام‌هایی در راستای آن برداشته شده است ایجاد رشته زبان ترکی در دانشگاه‌های مناطق ترک‌زبان است. استفاده زبان ترکی در کنار زبان فارسی باعث همبستگی بیشتر این دو زبان و خنثی‌سازی تحرکات سوء بیگانگان می‌شود. البته، گشایش به روی امر قومی باید در راستای رابطه طولی آن با امر ملی فهم شود؛ به عبارت دیگر، تقویت احساس تعلق به فرهنگ ایرانی باید همچون نخ تسبیح در هرگونه سیاست‌گذاری فرهنگی لحاظ شود تا زمینه‌ساز وحدت و همگرایی اقوام شود. یکی از مهم‌ترین تجلی‌گاه‌های این مهم، نظام آموزشی کشور است. بدین منظور، می‌توان فرزندان ایران را از دوران کودکی

در کتب درسی (که شامل تصاویر، رسوم، آیین، نوع پوشش و غیره است) یا برگزاری اردوهای گردشگری با فرهنگ اقوام مختلف آشنا کرد و یا به‌طور خاص، یک تا دو واحد درسی مرتبط با اقوام در مدارس و دانشگاه‌ها ارائه کرد. همچنین، بازنگری در سیاست بومی‌گزینی در دانشگاه‌ها ضروری به‌نظر می‌رسد. دانشگاه همواره محل تلاقی زبان، گویش و فرهنگ‌های متعددی بوده است؛ اما روند بومی‌گزینی طی سالیان اخیر، که در دانشگاه‌های شهرستان‌ها مشهودتر بوده است، می‌تواند موجب تقلیل یافتن سطح شناخت جوان ایرانی از گستره متنوع هم‌وطنان خود و مفهوم ایران در تمامیت آن شود. ایران مهد سرداران، اسطوره‌ها و بناهای تاریخی است که شناساندن آن‌ها نقش بسزایی در معرفی ایران به‌عنوان یک «موجویت ملی تاریخی» به لحاظ فرهنگی متنوع» دارد. در این راستا، صداوسیما نیز با ساختن مستند، سریال و برنامه‌های مختص معرفی اقوام، نظیر مستند «ایرانگرد»، می‌تواند کمک شایانی به همگرایی ملی داشته باشد. ابتکار دیگر، نام‌گذاری تاریخ‌هایی به نام مشاهیری است که از جای‌جای ایران سر بر آورده‌اند. با این‌گونه اقدامات و برگزاری آیین‌ها و جشن‌هایی برای ارج نهادن به مفاخر ملی می‌توان به نفوذ فرهنگ‌های بومی - محلی در بستر جامعه مبادرت ورزید.

۲-۳- سیاست خارجی معطوف به گستره وسیع ایران فرهنگی

به لحاظ تمدنی، نه‌تنها اقوام کنونی ایران متعلق به ملت تاریخی ایران بوده‌اند، بلکه تمامی یا بخش‌های قابل‌توجهی از سرزمین‌هایی که اکنون متعلق به همسایگان هستند (نظیر جمهوری‌های قفقاز، آسیای میانه و پهنه عظیمی از آناتولی ترکیه) در گذشته در قلمرو سیاسی - فرهنگی ایران قرار داشته‌اند. با جدایی این سرزمین‌ها و تثبیت مرزها به‌عنوان یک هنجار غالب در روابط بین‌الملل، اگرچه تصور احیاء گذشته امری خیالی و نامعقول به‌نظر می‌رسد؛ اما از آنجا که مناطق مذکور به لحاظ تاریخی زیر چتر ایران بزرگ فرهنگی هویت می‌یابند، این واقعیت می‌تواند همچون فرصتی برای تأثیرگذاری فرهنگی ایران بر آن مناطق باشد. ایران با استناد و تکیه بر این پیشینه تاریخی، قادر به تأثیرگذاری ویژه در منطقه است. این امر با به‌کارگیری عناصر متنوع این تمدن کهن که شامل زبان، رسوم و آیین‌های تاریخی - اساطیری و به‌طور ویژه، فرهنگی در تمامی کشورهای که در قلمرو تمدنی آن قرار می‌گیرند، مقدمات همبستگی ملت‌های کشورهای را به ارمغان می‌آورد (رستگاری، ۱۳۹۵: ۱۶۵). در این چهارچوب، برخی از متفکران براین باورند که این جغرافیای فرهنگی می‌تواند مبنایی برای بازتعریف عمق استراتژیک ایران باشد. بدیهی است تحقق این شرایط نیازمند اتخاذ تدابیر مناسب و فعالانه از سوی دولت ایران است.



در عرصه سیاست خارجی، جمهوری اسلامی ایران باید علاوه بر دیپلماسی سیاسی و تعامل با کشورهای مختلف، با فعال کردن عناصر فرهنگی و تکیه بر پیشینه تاریخی و تمدن خود، به‌ویژه در حوزه فرهنگی، این تهاجمات را خشی سازد. وجه تمایز و مزیت دیپلماسی فرهنگی بر دیپلماسی سیاسی این است که دیپلماسی فرهنگی متأثر از ارزش‌هایی است که با اقبال بیشتری در میان ملل مواجه می‌شود و موجبات پیوند و همگرایی مردمان سرزمین‌های مختلف را فراهم می‌سازد (میرفخرایی و فیروزمند، ۱۳۹۶: ۴۳۵).

در بعد سیاسی نیز ایران باید با ابتکار عمل و وقت‌شناسی و به‌کارگیری کارشناسانی زبده در عرصه دیپلماسی و سیاست خارجی، واکنش‌های خوبی به رویدادهای بین‌المللی به‌ویژه در منطقه خاورمیانه و در امتداد مرزهای خود داشته باشد. متأسفانه در طی دهه‌های گذشته، ایران از منطقه قفقاز و آسیای میانه که دارای قرابت تمدنی و فرهنگی گسترده‌ای با آن است، غفلت کرد و کشورهای دیگری از این خلأ نهایت استفاده را بردند. با این حال، یکی از مصادیق واکنش مطلوب جمهوری اسلامی در این مناطق در جنگ قراباغ نمود پیدا کرد که ایران مخالفت شدیدی با واگذاری قراباغ به جمهوری ارمنستان و واگذاری استان سیونیک ارمنستان (هم‌مرز با ایران) به جمهوری آذربایجان داشته است (احمدی ۱۳۸۸: ۱۵). مورد اخیر را می‌توان نمونه‌ای از سیاست مطلوب ایران در راستای خشی‌سازی تحرکات پان‌ترکیستی در سیاست منطقه‌ای ارزیابی کرد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پان‌ترکیسم نوعی ایدئولوژی شووینستی و توسعه‌طلبانه است که در دهه‌های اخیر، مجدد در منطقه احیا شد و افراط‌گرایان ترکیه هدایت آن را بر عهده دارند. آنان در تلاش هستند تا این اندیشه را در منطقه مسلط کنند. براساس این گزاره، سؤال اصلی پژوهش حاضر مبتنی بر این است که چگونه می‌توان منطق توسعه‌طلبی ارضی پان‌ترکیسم را از منظر نوع نگرش به ناسیونالیسم تحلیل نمود و متعاقباً آن را خشی کرد؟ در پاسخ به سؤال مذکور، این فرضیه قابل طرح است که گرایش توسعه‌طلبانه پان‌ترکیسم ریشه در ناسیونالیسم ایدئولوژیک آن دارد؛ ناسیونالیسمی که با توجه به پایه‌ریزی بر برداشتی قومی - فرهنگی از ملت، به الحاق‌گری و تحریک تجزیه‌طلبی اقوام ترک‌زبان در منطقه و به‌ویژه ایران می‌انجامد. در مقابل، سیاست‌های خشی‌ساز را می‌توان با اتخاذ رویکرد مدنی به ناسیونالیسم، یعنی برداشت سیاسی از ملت، طراحی کرد.

چهارچوب نظری توجیهی این فرضیه، ترکیبی است. چهارچوبی که ارتباط میان ایدئولوژی و عمل و دوگانه ناسیونالیستی قومی و مدنی ارکان آن را تشکیل می‌دهند.

به‌طور کلی، ایدئولوژی‌ها در درون خود ترکیبی را شکل می‌دهند که به‌عنوان ابزار در جهت منافع عمل می‌کنند. ترکیب ایدئولوژی و عمل، اهمیت هویت قومی و توسعه‌طلبی، در همه نظام‌هایی که دارای صبغه امپراتوری در گذشته و تاریخ خود بوده‌اند وجود دارد. این ترکیب برای کشورهای که در همسایگی نظام‌های مدنظر زیست می‌کنند و دارای گروه‌های زبانی مشترک هستند، حساسیت و خطرات بالقوه‌ای دارد. مصداق آن، ترکیه است؛ کشوری که در تلاش است تا با ترکیب مذکور، بر مناطق پیرامونی خود سایه گسترش‌طلبی فرهنگی، ایدئولوژیکی و یا حتی فضایی بیفکند.

دولت ترکیه، به‌ویژه پس از فروپاشی شوروی، از این ایدئولوژی افراطی برای گسترش نفوذ مادی و معنوی خود بهره‌برداری کرده است. به‌ویژه، یکی از مهم‌ترین دکترین‌های مطرح‌شده در دهه‌های گذشته در سیاست خارجی ترکیه، یعنی دکترین عمق استراتژیک احمد داوود اوغلو، همسویی‌هایی با ایدئولوژی پان‌ترکیستی است؛ چراکه بیشترین تأکید و حمایت بر روابط فرهنگی با کشورهای دارای اقوام و اقلیت ترک صورت گرفته است. در این راستا، حجم وسیعی از اقدامات فرهنگی، تبلیغاتی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ترکیه در کشورهای ترک‌زبان آسیای میانه و قفقاز انجام گرفته است. از مهم‌ترین کشورهای منطقه جمهوری اسلامی ایران است که در تیررس اندیشه‌های قوم‌گرایانه پان‌ترکیستی ترکیه قرار دارد. آنان در مقابل ایران از گروه‌های تجزیه‌طلب استفاده می‌کنند و به حمایت‌های گوناگون آنان مبادرت می‌ورزند.

جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با به‌کارگیری ظرفیت‌هایی که در قانون اساسی وجود دارد و نیز عوامل وحدت‌بخش ملی مانند فرهنگ ایرانی، موجبات وحدت تمامی اقوام را فراهم آورد و کشور را در قبال تنش‌های قومی مصونیت بخشد. در عرصه سیاست خارجی نیز ایران می‌تواند با استناد و تکیه بر پیشینه تاریخی خود در منطقه آسیای میانه و قفقاز، تأثیرات ویژه‌ای در منطقه بگذارد. به‌کارگیری عناصر متنوع این تمدن کهن که شامل زبان رسوم و آیین‌های تاریخی اساطیری است مقدمات همبستگی ملت‌های کشورها را به همراه خواهد داشت. مصداق بارز به‌کارگیری این دیپلماسی، ثبت نوروژ و گرامیداشت آن در کشورهای مختلفی همسایه بود که موجبات عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران را فراهم نمود. در بعد سیاسی نیز ایران با ابتکار عمل، وقت‌شناسی و به‌کارگیری کارشناسانی زبده در عرصه دیپلماسی و سیاست خارجی، باید واکنش‌های خوبی به رویدادهای بین‌المللی به‌ویژه در منطقه خاورمیانه و در امتداد مرزهای خود داشته باشد.

منابع

- آدمی، علی؛ نوری، مهسا (۱۳۹۲). «دیپلماسی فرهنگی ترکیه در آسیای مرکزی: فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌رو»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*. دوره ۱۹. شماره ۸۳: ۲۷-۱.
- ابراهیمی، سجاده؛ شاکری خویی، احسان (۱۳۹۴). «بررسی نقش گفت‌وگو پان‌ترکیسم در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی*. سال یازدهم. شماره ۴۳: ۲۳-۱.
- احمدی، حمید (۱۳۸۸). «ترکیه، پان‌ترکیسم و آسیای مرکزی». *فصلنامه اوراسیای مرکزی*. سال دوم. شماره ۵: ۲۲-۱.
- احمدی، حمید (۱۴۰۰ الف). قومیت و قوم‌گرایی در ایران. تهران: نی.
- احمدی، حمید (۱۴۰۰ ب). سیاست و حکومت در خاورمیانه (غرب آسیا) و شمال آفریقا. تهران: نی.
- احمدی، کامیل (۱۴۰۰). *از مرز تا مرز*. نشر اینترنتی: انتشارات آوای بوف.
- احمدی، حمید (۱۴۰۱). «جایگاه ایران در معادله قدرت جهانی منطقه‌ای و تأثیر آن بر سیاست پان‌ترکیسم الحاق‌گرا»، *فصلنامه گفت‌وگو*. شماره ۹۵: ۴۹-۳۵.
- ارکان، مانده (۱۳۹۵). *برخورد ایدئولوژی‌ها در ترکیه از عثمانی‌گرایی تا اسلام‌گرایی مدرن*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- اصغرپور، طاهر؛ مهرآذر، حمید؛ عبوضی، محمدرحیم (۱۳۹۴). *چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده، دانشگاه ارومیه*: ۲۳-۱.
- اطهری، سید اسدالله؛ ولی‌زاده میدانی، رامین (۱۳۹۸). «تحلیل مبانی فکری رفتار حزب حرکت ملی ترکیه در قبال جمهوری اسلامی ایران»، *دوفصلنامه دانش سیاسی*. سال پانزدهم. شماره ۲: ۳۱۶-۲۹۷.
- اسمیت، آنتونی (۱۳۷۷). «منابع قومی ناسیونالیسم»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*. دوره ۱. شماره ۱: ۲۰۶-۱۸۳.
- اسمیت، آنتونی دی (۱۳۹۴). *ناسیونالیسم و مدرنیسم: بررسی انتقادی نظریه‌های متأخر ملت و ملی‌گرایی*. تهران: ثالث.
- اسلامی، علیرضا (۱۳۸۵). «قومیت و ابعاد آن در ایران»، *فصلنامه علوم سیاسی*. سال نهم. شماره ۳۴: ۲۱۲-۱۹۵.
- بشکنی، غلامحسین (۱۳۹۷). «ساختار جمعیتی آسیای مرکزی و اندازه پذیرش افراط‌گرایی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام*. شماره ۷۶: ۱۴۲-۱۱۵.
- باریه، موریس (۱۴۰۰). *مدرنیته سیاسی*. ترجمه عبدالوهاب احمدی. تهران: آگه.
- بیات، کاوه (۱۳۸۷). *پان‌ترکیسم و ایران*. تهران: شیرازه.
- پورقوشچی، محمدرضا؛ نادری، محمود (۱۳۹۳). «جهانی‌شدن و تکثرگرایی قومی در ایران؛ چالش‌ها و فرصت‌ها»، *فصلنامه مطالعات راهبردی و جهانی‌شدن*. سال پنجم. شماره ۱۴: ۹۱-۵۵.
- پولاب، شهره (۱۱ اسفند ۱۳۹۹). «سبب سرخ و طرحی که ترکیه دنبال می‌کند؛ رویای اوراسیایی اردوغان»: <https://razipress.ir/News/Item/20324>.
- توسلی، غلام‌عباس؛ اصل زعیم، مهدی (۱۳۹۰). «هویت‌های قومی و معمای هویت ملی»، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*. سال سوم. شمار ۲: ۹۶-۷۵.
- جانسیز، احمد، صالحیان، تاج‌الدین (۱۳۹۵). «نگاه نو به رقابت ایران و ترکیه در کسب قدرت منطقه‌ای»، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*. دوره ۱. شماره ۱۹: ۱۷۶-۱۴۳.
- جباری، ولی؛ محمدیان، مهرداد؛ رشیدی‌آل هاشم، محمدرضا (۱۴۰۱). «واکوی نقش نیروهای خارجی بر گرایش‌های قومی در مناطق آذری‌نشین ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*. سال بیست‌وسوم. شماره ۱: ۱۸۹-۱۶۹.
- جلالی‌پور، حمیدرضا؛ نظرعباسی، صدیقه (۱۳۹۰). «ناسیونالیسم قومی و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: دانشجویان ترکمن استان گلستان)»، *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی*. دوره ۱. شماره ۱: ۱۴۳-۱۱۹.
- خانی، حسین (۱۳۸۷). «هویت ایرانی در گذرگاه تاریخ»، *فصلنامه مطالعات ملی*. سال نهم. شماره ۱۰: ۶۸-۴۵.
- خضری، محمد؛ فرجی‌راد، خدر؛ قاسمی، محمد (۱۳۹۶). «پیامدهای امنیتی ناموزون توسعه منطقه‌ای در ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*. سال بیستم. شماره ۴: ۱۸۵-۱۵۹.
- دانش‌نیا، فرهاد؛ نظرپور، داوود؛ سلیمی، آرمان (۱۳۹۴). «فهم سیاست خارجی ترکیه در پرتو دکترین عمق

- استراتژیک احمد داوود اوغلو»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۵، شماره ۱۷: ۲۰۰-۱۶۹.
- ربانی، علی؛ یزدخواستی، بهجت؛ حاجبانی، ابراهیم؛ میرزایی، حسینعلی (۱۳۸۷). «بررسی رابطه هویت ملی و قومی با تأکید بر احساس محرومیت و جامعه‌پذیری قومی: مطالعه موردی دانشجویان آذری، کرد و عرب»، فصلنامه مسائل اجتماعی. سال شانزدهم. شماره ۶۳: ۷۰-۳۳.
- ربیعی، علی (۱۳۸۹). «شکاف درآمد، دغدغه امنیتی کشورهای در حال گذار؛ مطالعه موردی ایران»، فصلنامه راهبرد. شماره ۵۷. سال نوزدهم: ۱۸۰-۱۵۵.
- رحیمی، علیرضا (۱۳۹۶). «استراتژی‌های ملت‌سازی و توسعه ناموزون در ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی. سال بیستم. شماره ۴: ۱۰۱-۶۵.
- رستگاری، محمدحسین (۱۳۹۵). دیپلماسی فرهنگی ایران؛ چالش‌ها و چینش‌ها. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری پویه مهر اشراق.
- رضایی، رضا؛ قربانزاده، قربانعلی؛ قاسمی، حاکم؛ هاشمی، سید عباس (۱۴۰۳). «نقش شرق‌شناسان در ایجاد «دیگری» در دوگفتمان ناسیونالیسم ایرانی و کردی»، فصلنامه مطالعات ملی. سال بیست‌وپنجم. شماره ۲: ۶۲-۳۳.
- ساعی، احمد؛ محمدزاده، مرتضی (۱۳۹۲). «حزب عدالت و توسعه و هژمونی کمالیسم»، مطالعات اوراسیایی مرکزی. دوره ۶. شماره ۲: ۶۰-۴۱.
- سعیدی، گلناز (۷ فروردین ۱۳۹۹). «پان‌ترکیسم و نگاه به جهان عرب»: <https://peace-ipsc.org/fa>
- صالحی، منصور؛ نوازی، بهرام (۱۳۹۹). «بررسی نقش جمهوری آذربایجان در ایجاد چالش‌های قومی در آذربایجان ایران». فصلنامه مطالعات ملی. سال بیست‌ویکم. شماره ۸۴: ۱۱۸-۱۰۱.
- طباطبایی، سید جواد (۱۳۸۶). دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط در ایران. تهران: نشر نگاه معاصر.
- عبدی، عطاءاله؛ ربانی، محمدرضا؛ خلیلی، رضا (۱۳۹۹). «روندشناسی تحولات قومی در منطقه آذربایجان: تلاش برای ورود به عرصه سیاسی»، فصلنامه مطالعات ملی، دوره ۲۱. شماره ۸۱: ۱۶۱-۱۳۷.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۹۴). بنیادهای علم سیاست. تهران: نشر نی.
- فاضلی، حبیب‌الله؛ خلیل‌طهماسبی، نوذر (۱۳۹۵). «ناسیونالیسم و مدرنیسم: مقایسه دیدگاه آنتونی اسمیت (رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی) و مکتب نوگرا»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۶. شماره ۳: ۷۰۸-۶۹۳.
- فاطمی‌نسب، علی؛ حسینی، سید جلال (۱۳۹۲). «نقش ترکیه در توسعه پان‌ترکیسم و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی. سال سوم. شماره ۸: ۱۲۷-۱۰۵.
- فلاح‌پیشه، حشمت‌الله؛ شربتی، وحید؛ مظفری، محمدمهدی (۱۳۹۴). «سیاست خارجی ترکیه در قفقاز جنوبی و منافع ایران و روسیه»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست. سال سوم. شماره ۱۲: ۶۰-۳۷.
- قادری، طاهره؛ میرزایی، سید آیت‌الله (۱۳۹۰). «ناسیونالیسم ایرانی در سده نوزدهم»، مطالعات جامعه‌شناختی. دوره ۱۸. شماره ۲: ۱۰۳-۶۹.
- کالیس، ارسطو (۱۳۸۲). ایدئولوژی فاشیست؛ سرزمین و گسترش‌طلبی در ایتالیا و آلمان. ترجمه جهانگیر معینی علمداری. تهران: نشر امیرکبیر.
- کریمی‌مله، علی؛ موذن، محمدهادی (۱۳۹۰). «تنوع فرهنگی و تداوم همزیستی در ایران». فصلنامه مطالعات ملی. سال دوازدهم. شماره ۱: ۵۲-۲۵.
- کولایی، الهه؛ نبوی، سید مهدی (۱۳۹۹). «عوامل فرهنگی مؤثر بر آینده روابط ایران و ترکیه»، مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، سال دوم. شماره ۴: ۱۸۴-۱۶۰.
- لانگو، جیکوب (۱۳۸۶). پان‌ترکیسم؛ یک قرن در تکاپوی الحاق‌گری. ترجمه حمید احمدی. تهران: نشر نی.
- لطفی، کامران؛ اخوان‌کاظمی، مسعود؛ صادقی، سید شمس‌الدین (۱۴۰۰). «واکاوی فرایند تکین ملت در ایران معاصر؛ تاریخچه و روند (مطالعه موردی: عصر رضا شاه ۱۳۲۰-۱۳۰۴)»، فصلنامه جامعه‌شناسی ایران. سال چهارم. شماره ۱: ۲۰۵-۱۸۶.
- لهستانی‌زاده، عبدالعلی؛ مقدس، علی‌اصغر؛ تقوی‌نسب، سید مجتبی (۱۳۸۸). «بررسی عوامل داخلی مؤثر بر هویت قومی و هویت ملی در میان اعراب شهرستان اهواز»، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی. سال بیستم. شماره ۱: ۷۰-۴۵.



- محمدی، شعبان؛ رضایی، احمدی (۱۳۹۹). «بررسی عوامل خارجی تأثیرگذار بر پان‌ترکیسم در آذربایجان ایران»، *مجله مطالعات اجتماعی اقوام*. دوره ۱. شماره ۲: ۸۴-۶۵.
- مشرق نیوز (۱ اردیبهشت ۱۳۹۹). «اظهارات اردوغان در باکو و واکنش تند ایران؛ تهران و آنکارا در مسیر تنش هستند»؟ <https://www.mashreghnews.ir/news/1154438>.
- مصطفایی، محمد (۱۳۹۹). «ارزیابی دیدگاه ازلی‌گرایان در مسئله هویت قومی در بستر عقل و وحی»، *فصلنامه مطالعات ملی*. دوره ۲۱. شماره ۲: ۲۴-۳.
- میرفخرایی، سید حسن؛ فیروزمند، مجید (۱۳۹۶). «دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»، *فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی*. سال دهم. شماره ۲: ۴۴۸-۴۳۳.
- نرجسیان، محمد (۵ اسفند ۱۳۹۹). «راهبرد توسعه‌طلبی ترکیه در منطقه: انگیزه‌ها و محدودیت‌ها»: <https://rahbordemoaser.ir/fa/news/69383>.
- نظری، علی‌اشرف؛ خلیل‌طهماسبی، نوذر (۱۳۹۴). «ملت و ملی‌گرایی در نگاه انتقادی آتونی دی اسمیت (رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی): مطالعه موردی ایران»، *سیاست‌پژوهی جهان اسلام*. دوره ۲. شماره ۳: ۴۰-۹.
- واحدی، الیاس (۲۵ فروردین ۱۴۰۰). «همگرایی محور ترکی»: <http://irdiplomacy.ir/fa/news>.
- واند، زاره (۱۳۶۹). *افسانه پان‌تورانیسم*. ترجمه محمدرضا زرگر. تهران: بینش.
- هوشمند، احسان (۲۶ فروردین ۱۳۹۹). «هویت تاریخی ما ایرانی و شهری است نه قومی»: <http://tarikhirani.ir/fa/news/8583>.
- Alaranta, T & Silvan, K. (2022). "Turkey in Central Asia:- possibilities and limits of a greater role", *FILA*. [01/18/2022]: asia-central-in/en/publication/turkey: <https://www.fiia.fi>.
- Krasznay, A. (2010). *From Ethnic to Civic Nationalism: The Case of the Autonomous Community of Catalonia, Spain. Dissertation for the Degree of Master of Arts in Political Science*. Central European University, Hungary.
- Huseynov, R. (2019). *Russian world, Pan-Turkism and EU normative power in Gagauz Yeri: Competing Geopolitical Ideologies and Regional Identity at the Sub-state Level*. Eiki Berg, Tartu: Johan Skytte Institute of Political Studies.
- Kilinc, R. (2001). *The Place of social identity in Turkey's foreign policy options in the post-cold war era in the light of liberal and constructivist approaches*. Duygu Bazoğlu Sezer & Mrs. Sezer. Ankara: Bilkent University.
- Krasznay, A. (2010). *From ethnic to civic nationalism: The Case Of The Autonomous*.
- Ketenci, Aysegul (2022, Desember 21). *3 questions - importance of Zangezur corridor for the region explained*. *Anadolu Agency*: <https://www.aa.com.tr/en/analysis/3-questions-importance-of-zangezur-corridor-for-the-region-explained/2769019/>.
- Lecours, A. (2000). "Ethnic and civic nationalism: towards a new dimension", *Space and Polity*. 4 (2): 153-166.
- Lüdke, T. (2012). "Pan-ideologies", in *European History Online (EGO). the Leibniz Institute of European History (IEG)*, [17.3.2023]: <http://www.ieg-ego.eu/luedket-2012en>.
- Larin, J, S. (2012). *Challenging the civic nation*. Margaret Moore and John McGarry, Kingston: Queen's University.
- Ozcan, N. & Qzdamar, Q. (2010). "Uneasy neighbors: Turkish-Iranian relations since the 1979 Islamic revolution", *Middle East Policy*. 17 (3): 101-11.
- Republic of Turkiye: Ministry of Foreign Affairs. (2023). "Türkiye's relations with Central Asian republics": https://www.mfa.gov.tr/turkiye_s-relations-with-central-asian-republics.en.mfa.
- Tamir, Y. (2019). "Not so civic: is there a difference between ethnic and civic nationalism", *The Annual Review of Political Science*: <https://www.annualreviews.org/doi/pdf/10.1146/annurev-polisci-022018-024059>.
- TRT WORLD. (2022). "Türkiye supports 'immediate' opening of strategic Zangezur corridor". (27. 06. 2022), <https://www.trtworld.com/turkey/turkiye-supports-immediate-opening-of-strategic-zangezur-corridor-58340>.
- Ure, P. (2017). "Pan Turkism", in U. Daniel, P. Gatrell, O.Janz, H. Jones, A. Kramer & B. Nasson (Eds). *1914-1918 online international encyclopedia of the first world war*. (5), Freie Universität Berlin.